

زمین‌خبرها

جاساز «شیشه» در مخزن سوخت تریلر ترانزیتی لورفت

توکلی - محموله ۲۰ میلیاردی مواد آفیونی «شیشه» از تریلر کشنده ترانزیتی در محور کرمان - هرمزگان کشف شد. رئیس دادگاه عمومی شهرستان فهرج بیان کرد: شامگاه گذشته ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر این شهرستان به یک دستگاه تریلر کشنده با پلاک ترانزیتی (بین المللی) مشکوک شدند که بلافاصله با هماهنگی مقام قضایی دستور توقف و بازرسی از کامیون مزبور صادر شد. به گزارش خبرنگار ما، قاضی «رحمان مزیدی» افزود: پس از بازرسی دقیق از این خودرو، ۹۲ کیلوگرم «شیشه» که به صورت بسیار حرفه‌ای در محل مخزن سوخت تریلر جاسازی شده بود، کشف و ضبط شد. وی خاطر نشان کرد: این تریلر قصد داشت این محموله مواد مخدر را از کشور افغانستان به استان هرمزگان منتقل کند که با هوشیاری ماموران انتظامی در محور مواصلاتی زاهدان به فهرج توقیف و در این باره یک تبعه افغانستانی با قرار بازداشت مناسب روانه زندان شد.

تکذیب مبتلا شدن «سحر تبر» به کرونا در زندان

رئیس زندان زنان شهری ابتلای فاطمه خویشوند (سحر تبر) به بیماری کرونا را تکذیب کرد. مهدی محمدی در گفت وگوبایسنا، در این باره گفت: خبر منتشر شده توسط وکیل فاطمه خویشوند صحت ندارد و آن تکذیب می‌کنم. بر اساس این گزارش، دیروز پیام درفشان وکیل فاطمه خویشوند از ابتلای موکلش در زندان خبر داده بود.

۳ کشته در حوادث معدنی و رانندگی در کرمان

توکلی - حوادث معدنی و رانندگی در استان کرمان سه کشته و دو زخمی به جا گذاشت. به گزارش خبرنگار ما، در حادثه نخست، راننده بیل مکانیکی در معدن شماره ۳ گل‌گهر سیرجان که برای بررسی دستگاه از اتاقک، پیاده شده بود، به علت ریزش ناگهانی دیواره سنگی معدن در دم جان باخت. در حادثه دوم هم بر اثر برخورد خودروی پژوی سواری بایک دستگاه جرثقیل پارک شده در خیابان، در شهر سیرجان یک نفر از سرنشینان خودرو به علت شدت جراحات جان باخت و دو سرنشین دیگر زخمی شدند. سرهنگ ایردی پاک رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی سیرجان، علت حادثه را ناتوانی راننده جوان در کنترل خودروی سواری ناشی از خطئی از سرعت مطمئنه و مجاز اعلام کرد. سرهنگ نصیری سرپرست پلیس راه شمال استان کرمان هم از واژگونی یک دستگاه تراکتور و مرگ دلخراش راننده ۱۷۳ آن در اراضی کشاورزی ماهان به علت بی توجهی به جلو خبر داد.

محموله «مواد» قاچاقچی حرفه‌ای در راه تهران زمین گیر شد

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ از کشف بیش از ۱۰۰ کیلوگرم تریاک در عملیاتی مشترک با پلیس قم خبر داد. به گزارش ایسنا، سرهنگ عبدالوهاب حسوند در این باره گفت: چندی پیش در پی دریافت خبری مبنی بر قصد یکی از قاچاقچیان حرفه‌ای مواد مخدر برای خرید تریاک از یکی از قاچاقچیان در جنوب کشور و انتقالش به تهران بایک دستگاه کامیون تیمی از ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و در جریان این بررسی ها مشخص شد که متهم قصد دارد بعد از تهیه مواد مخدر با گذشتن از شهر قم محموله را به پایتخت منتقل کند. وی با اشاره به دریافت مجوز از مقام قضایی گفت: تیمی از ماموران عملیات ویژه به استان قم رفتند و با همکاری پلیس مبارزه با مواد مخدر استان قم رصدهای مراقاتی انجام شد تا این که متهم وارد شهر قم و خودرویش نیز شناسایی شد. در همین زمینه با شگردهای پلیسی و با هدف شناسایی دیگر مرتبطان به این فرد، خودروی وی توقیف نشد و تحت نظر قرار گرفت تا این که فرد دیگری نیز شناسایی شد. ماموران این خودرو را یک دستگاه کامیون ایسوزو بود تا تهران تعقیب و آن را در بزرگراه فتح متوقف کردند.

اختلاف دو برادر در مغازه میوه فروشی و شیوع کرونا که باعث تعطیلی کسب و کاریکی از برادران شده بود، سناریوی مرگباری را در خیابان سه‌روردی رقم زد. به گزارش رکتا، ساعت ۱۱ صبح پنج شنبه، ۱۴ فروردین امسال، فریادهای سوختم سوختم مرد جوانی در مغازه میوه فروشی به گوش رسید و رهگذران که شاهد یک سناریوی هولناک بودند با بیرون کشیدن مرد جوانی که در آتش می سوخت، آن را خاموش کردند و خیلی زود امدادگران اورژانس مرد جوان را به بیمارستان انتقال دادند و در این صحنه جوان دیگری که از ناحیه دست دچار سوختگی شده بود نیز به بیمارستان منتقل شد.

سناریوی مرموزی در مغازه میوه فروشی در خیابان سه‌روردی رخ داده بود که در تحقیقات ابتدایی مشخص شد آتش سوزی عمدی بوده و فرضیه یک اختلاف خانوادگی پیش روی ماموران قرار گرفت.

مصطفی که ۹۵ درصد دچار سوختگی شده بود، تحت درمان قرار گرفت اما به دلیل شدت

سوختگی، عصر همان روز آتش سوزی روی تخت بیمارستان به کام فرو رفت.

بهاره همسر مصطفی به خبر نرفت رکتا گفت:

مصطفی و برادرش از قدیم اختلافاتی با هم داشتند ولی اختلافشان به حدی نبود که

وی با اشاره به این که همسرش یک رستوران خرید و با بروز کرونا مجبور به تعطیلی رستوران شده بود و بدهی زیادی هم داشت بنابراین تصمیم گرفت به مغازه میوه فروشی

پدرش برود و آن جا کار کند که برادرش مخالف بود و تهدید کرده بود اگر به آن جابروند اوو مغازه را به آتش می کشد که متأسفانه این اتفاق افتاد اما خانواده همسر هم برای بی گناه نشان دادن برادر شوهرم هارد دوربین مغازه را خارج کرده اند.

■ شاهد آتش سوزی عمدی

یکی از شاهدان این آتش سوزی مرگبار نیز گفت: تا جایی که اطلاع دارم، مصطفی به دلیل خرید و ساخت کافه رستوران بدهکاری زیادی داشت و توانسته بود بخشی از بدهکاری اش را پرداخت کند اما با توجه به شیوع کرونا ویروس، او مجبور به بستن رستوران شد و بدهکاری داشت که تصمیم گرفت مدتی در مغازه پدری اش که مغازه میوه فروشی است، کار کند.

وی افزود: صبح روز حادثه من برای خرید ابتدایی مشخص شد آتش سوزی عمدی بوده و فرضیه یک اختلاف خانوادگی پیش روی ماموران قرار گرفت.

مصطفی که در همین لحظه یک مرد سوار بر خودروی نیسان که بار میوه داشت جلوی در مغازه آمد و بدون هیچ مقدمه ای شروع به فحاشی کرد، ابتدا فکر کردم که اختلاف بین دو میوه فروش است که خواستم به این درگیری لفظی پایان دهم. مصطفی هم هیچ حرفی نمی زد.

مرد جوان گفت: بعد از لحظاتی متوجه شدم که این مرد برادر مصطفی است و با صدای بلند می گفت که گفته بودم اگر پایت به مغازه باز شود، خودت و مغازه را آتش می زنی. چرا آمدی؟! مرد جوان از کارگش خواست تا



تصویر مقتول

مشتریان را از مغازه خارج کند و من وقتی فهمیدم اختلاف خانوادگی است و دو برادر با هم درگیر هستند، از مغازه خارج شدم و شاهد ماجرا بودم.

این مرد ادامه داد: مرد جوان از داخل قفسه های مغازه ظرف بنزین را برداشت و کرکره ها را تا نیمه پایین داد و بنزین را روی مصطفی ریخت و در ادامه ناگهان آتش سوزی و انفجار صورت گرفت که مصطفی در حالی که آتش

گرفته بود و می سوخت به کمک مردم بیرون کشیده شد و یک اتوبوس با دیدن این صحنه در کنار خیابان پارک کرد و با کپسول آتش

نشانی شروع به خاموش کردن آتش روی بدن مصطفی کرد اما بی فایده بود و یک نفر پتوی مسافرتی روی مصطفی انداخت و توانستم آتش را خاموش کنیم.

شعله ها زیاد بود و برادر مصطفی از ناحیه دست دچار سوختگی شده بود که به بیمارستان منتقل شد و شنیدم که مصطفی ۹۵ درصد و برادرش ۱۲ درصد دچار سوختگی شده اند.

■ تحقیقات میدانی

بررسی ها نشان از آن دارد که این پرونده در شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران تشکیل شده است و یک افسر ویژه پلیس در بیمارستان برادر مصطفی را تحت نظر قرار داده بود تا این که صبح روز یک شنبه ۲۴ فروردین مرد جوان از بیمارستان ترخیص و برای تحقیقات به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

شنیده ها حاکی از آن است که مرد جوان در اعتراض ادعا کرده که بنزین را برای موتور برق داخل مغازه نگهداری کرده است و زمانی که با برادرش درگیر شده آن را روی وی ریخته و آتش بخاری داخل مغازه به باعث این آتش سوزی مرگبار شده و قصد قتل برادرش را نداشته است.

بنا به این گزارش، متهم به قتل برادر، پس از تحقیقات ابتدایی به دلیل سوختگی دستانش به دستور بازپرس پرونده به زندان منتقل شده و در بیمارستان زندان تحت درمان قرار گرفته است و تحقیقات در اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

مهار آتش سوزی مغازه «بنزین فروشی» در بولوار رسالت مشهد

کاربری محل کسب اقدام به «فروش بنزین» در داخل مغازه خود می کرده که متأسفانه به دلیل سهل انگاری، آتش سوزی مهیبی در محل رخ می دهد که شدت این حریق به حدی بود که شعله های آتش تا شعاع ۱۰ متری به اطراف زبانه می کشید.

آتشپاد دوم محمد جوادی سبحانی ادامه داد: با حضور به موقع آتش نشانان این حریق مهار شد، اما به یک واحد مسکونی در طبقه فوقانی این مکان و یک باب مغازه در مجاورت این محل خساراتی وارد آمد. معاون عملیات آتش نشانی مشهد افزود: تحقیقات بیشتر در خصوص چگونگی این اقدام خطر آفرین مالک این مغازه توسط کارشناسان مربوط در حال بررسی است و خوشبختانه در این آتش سوزی به کسی آسیبی نرسید.

معاون عملیات آتش نشانی مشهد از مهار آتش سوزی مهیب یک مغازه در بولوار رسالت با تلاش آتش نشانان ۲ ایستگاه خبر داد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد، آتشپاد دوم محمد جواد سبحانی گفت: این حادثه عصر دیروز دوشنبه ۲۵ فروردین ۹۹ از طریق تماس مردمی با سامانه ۱۲۵ اطلاع رسانی شد و ستاد فرماندهی آتش نشانی با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله آتش نشانان و نجاتگران ایستگاه های ۸ و ۳۷ را به محل حادثه در ابتدای رسالت ۶۶ اعزام کرد.

معاون عملیات آتش نشانی مشهد خاطر نشان کرد: با حضور نیروهای امدادی در محل مشخص شد، مالک یک مغازه خواربارفروشی در اقدامی نامتعارف و خطرناک با تغییر


رها سازی سالمندان یک آسایشگاه در مونترال از ترس کرونا ۳۱ قربانی گرفت!



مناقصه عمومی تکمیل اجرای سنگ و موزائیک و سرامیک پروژه حوزه علمیه ثامن الحجج (ع)

آستان قدس رضوی در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی نسبت به انتخاب پیمانکاران دارای حداقل رتبه ۵ در رشته های ساختمان و ابنیه جهت تهیه مصالح و تکمیل اجرای سنگ و موزائیک و سرامیک اقدام نماید. لذا از کلیه شرکتهای واجد شرایط که دارای رزومه مناسب در زمینه ساخت اینگونه پروژه ها می باشند، دعوت می نماید جهت دریافت اسناد مناقصه حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۲ به دبیرخانه معاونت عمرانی آستان قدس رضوی به نشانی مشهد، چهارراه شهدا، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی، معاونت عمرانی مراجعه یا با شماره تلفن ۰۵۱-۳۲۰۰۱۱۲۶ تماس حاصل نمایند.

ضمناً هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها برعهده برنده مناقصه خواهد بود.



آستان قدس رضوی

خرید و فروش فیش حج (فوری)

انتقالات با مجوز های قانونی به همراه تنظیم سند

۰۹۱۵۵۱۷۱۸۳۳

در دفتر خانه اسناد رسمی - ۰۹۱۵۵۱۵۷۱۵

باقیه فیش حج

به سرزمین وحی سفر کنید

خرید - فروش - تمتع - عمره

نیش معلم ۱۳ - پلاک ۱

۰۹۱۵ ۴۵۱ ۱۱۶۸ - ۶۹

در امتداد تاریکی

عاشقی در کافی شاپ!

از روزی که فهمیدم همسرم دچار انحرافات اخلاقی شدید است دیگر آرام و قرار ندارم. از شدت شرم و حیا نمی توانم به خانواده ام چیزی بگویم و همواره چنین وانمود می کنم که خوشبخت ترین زن روزگار هستم و زندگی عاشقانه ای دارم اما نمی دانم این کابوس های وحشتناک چگونه به پایان می رسد...

زن ۲۶ ساله که کوله باری از غم را به دوش می کشید با بیان این که با عشقی دیوانه وار آینده ام را به تباهی کشاندم درباره ماجرای ازدواجش به کارشناس اجتماعی کلانتری میزرا کوچک خان مشهد گفت: هنوز بیشتر از یک ماه از پایان تحصیلاتم در رشته مهندسی صنایع غذایی نگذشته بود که روزی عموی کوچکم به همراه جوانی غریبه وارد منزل ما شد. همه خانواده با تعجب به یکدیگر می نگریستند چرا که سابقه نداشت در جشن های خانوادگی مافر دیبگانه ای حضور داشته باشد. برادر کوچک ترم بلافاصله واکنش نشان داد و به حالت قهر منزل را ترک کرد اما عمویم جشن تولد برادرم را علّت حضور دوستش در منزل مادّزر کرد و او اِپسری مودب، باحیا و باوقار خواند. خلاصه آن شب افراد خانواده به احترام عمویم سکوت کردند ولی در یک لحظه متوجه شدم که آن جوان غریبه حرکات و رفتارهای مرازیر نظر گرفته است و چشم از من برمی دارد. چند روز بعد از این ماجرا «شاپور» در حالی توسط مادرش از من خواستگاری کرد که برادرانم به شدت با این موضوع مخالفت کردند چرا که ما از خانواده ای سرشناس و ثروتمند بودیم به طوری که هر کدام از بستگان ما یک کارخانه تولیدی بزرگ داشتند اما شاپور نه تنها کارگریک شرکت بود بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز سنجینی با ما نداشت. عمویم مدام از خوبی ها و معرفت شاپور سخن می گفت و تلاش می کرد خانواده ام را برای این ازدواج راضی کند. دو سال از این ماجرا گذشت تا این که پسریکی از کارخانه دارها که خودش نیز یک کارخانه تولیدی داشت به خواستگاری ام آمد و من در میان همه خواستگار انم او را پسندیده بودم ولی با وجود همه سماجت های آن جوان کارخانه دار ناگهان همه قرار و مدارها به هم خورد که بعد فهمیدم عمویم از این ازدواج به طور پنهانی جلوگیری کرده است. در همین فّت آمد ها عمویم مرا به همراه شاپور چندین بار به کافی شاپ دعوت کرد که بالاخره یک دل نه صد دل عاشق شاپور شده م طوری که دیگر خودم نیز به این ازدواج اصرار می کردم. مخالفت برادرانم و خانواده ام هیچ فایده ای نداشت و من برای جلب رضایت آن هادست به هر کاری و چهیز به یک میلیاردی عروسی باشکوهی و به عقد شاپور در آمدم. با وجود آن که می دانستم خانواده ام چهیز به سنگینی به من خواهند داد ولی باز هم نگران بودم چرا که شاپور همواره برای چهیز به ام به من گوشزد می کرد. در طول یک سال دوران عقد همیشه به خاطر تفاوت های زیاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده شاپور با بستگانم مورد سرنش قرار می گرفتم به گونه ای که رفتارهای نامرّم تعجب همه را برمی انگیزخت. شاپور حتی شب ها را در اتاق عمویم می خوابید و من این رفتارها را به حساب خجالت و وقار او می گذاشتم تا این که بالاخره پدر و پدر بزرگم با اهدای منزل ویلایی ۳۰۰ متری و چهیز به یک میلیاردی عروسی باشکوهی برگزار کردند اما همسر من حتی یک مرغ مقابل پای عروس قربانی نکرد و من سنگینی نگاه های تاسف بار اعضای خانواده ام را به روشنی حس می کردم ولی انگار سرنوشت من به گونه دیگری رقم خورده بود. خلاصه رفتار های زشت و نفرت انگیز شاپور در شب عروسی مرا به حیرت واداشت زیرا هیچ گاه فکر نمی کردم همسرم دچار انحرافات اخلاقی است در حالی که رفت و آمدهای شاپور و عمویم بسیار نزدیک و صمیمانه بود. در نهایت دل به در باز دم و ماجرای رفتار های زشت همسر مرا زن عمویم جویا شدم و او را از انحرافات اخلاقی شاپور را بر ایم فاش کرد و گفت: «همسر او نیز (عمویم) نیز دچار همین انحرافات است و من برای تداوم زندگی ام باید سکوت کنم!»

از آن روز به بعد روزگارم سیاه شد و اکنون که یک سال از ازدو اجم می گذرد، دنیا در برابر چشمانم تیره و تار است. همسرم هیچ احساسی به من ندارد و من برای حفظ آبروی خانواده گی تا کنون سکوت کرده ام اما نمی دانم چگونه این کابوس های وحشتناک پایان می یابد. ای کاش...

شایان ذکر است به دستور سرهنگ محسن باقی زاده حاکاک (رئیس کلانتری میزرا کوچک خان) پرونده این زن جوان در دایر ممدکاری اجتماعی کلانتری توسط کارشناسان زبده مورد تجزیه و تحلیل های دقیق روان شناسی قرار گرفت.

ماجرا واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

جهت سفارش آگهی در ویژه نامه

دفتر پذیرش آگهی: بلوار سلمان آب | نیش شهید صادقی ۱۸ | پلاک ۱۶۲

پذیرش آگهی: ۰۵۱-۳۷۶۳۵۹۱۱ | مدیریت: فیروز خسروانی ۰۹۱۵ ۱۱۱ ۸۰۰

Bazarmahaleh@gmail.com telegram.me/bazarmahalleh

bazar_mahaleh

با توجه به شیوع بیماری کرونا در سطح جامعه و حمایت از کسب و کار های تلفنی و غیر حضوری تبلیغات با تخفیفات ویژه در ویژه نامه بازار محله چاپ می شود.

خراسان

بازار محله

بازار محله

نیاز مندی زائر